

## جهان پس از ویروس کرونا

یووال نوح حراری

ترجمه فرید فرخی

\*\*\*

یادداشت مترجم: این مقاله به قلم یووال نوح حراری در پایان اسفند ۱۳۹۸ در فایننشال تایمز منتشر شده است. اصل مقاله را از [اینجا](#) بخوانید.

حراری به‌خاطر نوشته‌هایش درباره تاریخ بشر با دیدگاهی کلان‌نگر معروف است. این مقاله هم چنین کیفیتی دارد. مزیت چنین دیدگاهی طرح پرسش‌هایی است که با ترسیم کردن تصویری کلان ممکن است. در عین حال برای پرداختن به چنین پرسش‌هایی در یک زمینه بخصوص باید ویژگی‌های بخصوص آن زمینه را نیز در نظر گرفت.

حرفه من ترجمه نیست و از پیشنهادهای برادرم، معین، که مترجم حرفه‌ایست کمک گرفته‌ام. منظورم از ترجمه این مقاله هم الزاما موافقت با تمامی دیدگاه‌های نویسنده‌اش نیست. اما تا جایی که به این مقاله مربوط می‌شود به عقیده من تاریخ درس‌های بسیاری برای ما دارد و هر نسلی ظرفیت عظیمی برای فراموش کردن تجربه نسل‌های گذشته و در نتیجه تکرار اشتباهات آنها دارد. این اشتباهات در تاریخ اخیر جامعه ایران به قدری پرشمار و پرهزینه بوده که نیازی به مثال آوردن از طرف من ندارد. امروز هم جا دارد از خودمان بپرسیم که ما در برابر چه انتخاب‌هایی قرار داریم و برآیند انتخاب‌های ما، که مجموعه میلیون‌ها کنش و داوری فرد فرد مردم تا تصمیمات زمام‌داران را دربرمی‌گیرد، مستعد چه اشتباهات برگشت‌ناپذیری است، نه فقط برای دوره همه‌گیری ویروس بلکه همچنین برای بعد از آن. این پرسش‌ها منحصر به دو موردی که نویسنده این مقاله می‌آورد نیست و می‌توان موارد دیگری را نیز مجسم کرد (مثل اینکه قشر کمتر آسیب‌پذیر یک جامعه چه انتخابی در قبال قشر بیشتر آسیب‌پذیر خواهد کرد). در هر حال، می‌گویند نیمی از پاسخ در طرح کردن درست پرسش است. امیدوارم این متن کمکی باشد به طرح چنین پرسش‌هایی.

\*\*\*

بشریت با یک بحران جهانی مواجه شده است. شاید بزرگترین بحران نسل ما. تصمیماتی که مردم و حکومت‌ها در هفته‌های آینده خواهند گرفت ظرفیت این را دارد که دنیای آینده را شکل بدهد. شکل جدیدی نه فقط در نظام خدمات درمانی بلکه برای اقتصاد، سیاست و فرهنگ. ما باید فوری و قاطع عمل کنیم. همچنین باید عواقب بلندمدت اعمال‌مان را در نظر بگیریم. وقتی بین گزینه‌های مختلف انتخاب می‌کنیم سوال پیش روی ما فقط این نیست که چگونه می‌توان بر تهدید کنونی غلبه کرد، بلکه این هم هست که وقتی که این طوفان بگذرد می‌خواهیم در چه جور دنیایی زندگی کنیم. بله، این طوفان خواهد گذشت، بشریت دوام خواهد آورد، بیشتر ما زنده می‌مانیم، ولی در دنیایی متفاوت زندگی خواهیم کرد.

بسیاری از اقدامات فوری کنونی پای ثابت زندگی آینده خواهند شد. خصلت چنین فوریت‌هایی این است که جریان تاریخ را با شتاب به جلو می‌اندازند. تصمیماتی که در زمانه عادی سال‌ها کنکاش لازم دارند به سرعت چند ساعت گرفته می‌شوند. فناوری‌های نارس و حتی خطرناک به کار می‌افتند چون مخاطره دست‌روی‌دست گذاشتن بیشتر است. تمام کشورها در مقیاس وسیع موش آزمایشگاهی می‌شوند. چه اتفاقی می‌افتد اگر همه از خانه کار کنند و

روابطشان با حفظ فاصله باشد؟ چه اتفاقی می‌افتد اگر همه مدارس و دانشگاه‌ها تعطیل بشوند؟ در زمانه عادی، حکومت‌ها، کسب‌وکارها و مراکز آموزشی هرگز حاضر نیستند به چنین آزمایشی تن بدهند. اما اکنون زمانه عادی نیست.

در این بحران، ما به‌ویژه با دو انتخاب مهم روبرو هستیم. نخستین انتخاب بین نظارت تمامیت‌خواه یا توانمندسازی شهروندان است. دومین انتخاب بین انزوای ملی یا انسجام جهانی است.

## نظارت زیرپوستی

برای جلوگیری از این همه‌گیری تمامی مردم باید خود را با رهنمون‌های مشخصی همسو کنند. دو راه برای رسیدن به چنین چیزی وجود دارد. نخستین راه این است که حکومت‌ها بر مردم نظارت داشته باشند و کسانی را که سرپیچی کرده‌اند جریمه و مجازات کنند. برای نخستین بار در تاریخ بشر، فناوری نظارت بر تمامی مردم در تمامی اوقات را ممکن کرده است. پنجاه سال پیش، سرویس اطلاعاتی شوروی نمی‌توانست ۲۴۰ میلیون نفر را ۲۴ ساعته دنبال کند و [حتی اگر امکانش را داشت] امیدی نداشت که بتواند اینهمه اطلاعات را پردازش کند. سرویس اطلاعاتی شوروی بر ماموران و تحلیل‌گرانش استوار بود، و این ماموران نمی‌توانستند تمام شهروندان را دنبال کنند. اما اکنون حکومت‌ها می‌توانند به‌جای موجودات گوشت و پوست‌دار به سنسورهای همه‌جا حاضر و الگوریتم‌های کارآمد تکیه کنند.

همین حالا هم برخی حکومت‌ها در مبارزه علیه همه‌گیری ویروس کرونا ابزارهای نظارت جدیدی را به‌کار گرفته‌اند. چشم‌گیرترین مورد چین است. از طریق نظارت گوشی‌های موبایل مردم، بهره‌برداری از میلیون‌ها دوربین مجهز به ابزار تشخیص چهره و وادار ساختن مردم به چک کردن و گزارش دمای بدن و شرایط سلامت‌شان، زمام‌داران چین نه تنها می‌توانند به سرعت مبتلایان مشکوک به ویروس کرونا را تشخیص بدهند بلکه در عین حال می‌توانند جابجایی‌های آنها و افرادی را که با آنها تماس داشته‌اند تشخیص بدهند. اپلیکیشن‌های موبایل به شهروندان نزدیک شدن‌شان را به بیماران مبتلا هشدار می‌دهند.

این شکل فناوری محدود به شرق آسیا نیست. نخست‌وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیاو، اخیراً به آژانس امنیتی اسرائیل اجازه داد تا از فناوری‌های نظارتی که کاربرد جنگی دارند برای ردیابی مبتلایان به ویروس کرونا استفاده کند. وقتی کمیون مرتبط مجلس زیر باز چنین مجوزی نرفت، نتانیاو با ضرب و زور تحت عنوان «فرمان فوری» اجرایش کرد.

شما ممکن است استدلال بیاورید که هیچ چیز اینها تازه نیست. در سال‌های اخیر حکومت‌ها و شرکت‌ها بیشتر از هر وقت دیگری از تکنولوژی‌های جدید استفاده می‌کردند تا مردم را ردیابی، رصد و مدیریت کنند. با این حال اگر حواس‌مان نباشد این همه‌گیری ممکن است نقطه عطف مهمی در تاریخ نظارت بر جای بگذارد. نه فقط چون ممکن است استفاده انبوه از ابزار نظارت را در کشورهایی که به آن تن نمی‌داند عادی‌سازی کند بلکه چون حاکی از دوره‌گذاری ناگهانی باشد از «نظارت روی پوستی» به «نظارت زیرپوستی».

تا کنون وقتی که انگشت شما اسکرین موبایل‌تان را لمس می‌کرد و روی لینکی کلیک می‌کرد، حکومت می‌خواست بداند انگشت‌تان دقیقاً روی چه چیزی کلیک می‌کند. اما با وجود ویروس کرونا، خواسته حکومت تغییر می‌کند. اکنون حکومت می‌خواهد دمای انگشت شما و فشار خون زیر پوست‌تان را بداند.

## پودینگ اورژانسی

یکی از مسایل روبروی ما برای فهمیدن اینکه در نظارت کجای کاریم این است که هیچ کدام ما دقیقاً نمی دانیم که چگونه داریم نظارت می شویم و سال های آینده چه چیزهایی پیش خواهد آورد. فناوری نظارت با سرعت سرسام آوری در حال توسعه است و چیزهایی که ۱۰ سال پیش علمی-تخیلی به نظر می آمدند امروز اخباری قدیمی هستند. مثلاً محض یک آزمایش فکری، حکومتی را در نظر بگیرید که از همه شهروندان می خواهد دستبندی بپوشند که دمای بدن و ضربان قلب آنها را در ۲۴ ساعت روز می پاید. الگوریتم های حکومتی این داده ها را ذخیره و تحلیل می کنند. این الگوریتم ها قبل از خودتان می فهمند شما بیمار هستید، همچنین می دانند کجاها بوده اید و چه کسانی را ملاقات کرده اید. زنجیره سرایت بیماری به شدت کوتاه و حتی از بیخ بریده می شود. چنین سیستمی می تواند چه بسا می تواند جلوی همه گیری بیماری را با ردیابی در چند روز بگیرد. به نظر فوق العاده می آید. درست است؟

جنبه منفی البته این است که چنین چیزی می تواند به سیستم نظارت جدید و ترسناکی مشروعیت بدهد. مثلاً اگر بفهمید من جای سی ان ان لینک فاکس نیوز را باز کرده ام اطلاعاتی درباره نظرات سیاسی یا حتی شخصیت من دستتان می آید. اما اگر بتوانید بفهمید وقتی فلان کلیپ ویدیویی را نگاه می کنم دمای بدن، فشار خون و ضربان قلبم چگونه واکنش نشان می دهد، این بار دستتان می آید که به چه چیزهایی می خندم و گریه می کنم و از چه چیزهایی واقعا خونم به جوش می آید.

مهم است به یاد بیاوریم که خشم، لذت، ملال و عشق پدیده های زیست شناختی هستند همچون تب و سرفه. همان فناوری که می تواند سرفه را تشخیص بدهد می تواند خنده را هم تشخیص بدهد. اگر شرکت ها و حکومت ها شروع به درو کردن همه داده های زیست سنجی ما بکنند، می توانند ما را بهتر از خودمان بشناسند، و نه تنها می توانند احساسات ما را پیش بینی بکنند بلکه می توانند احساسات مان را دست کاری کنند و هر چیزی می خواهند به ما بفروشد -- چه یک کالا چه یک سیاستمدار. رصدیابی زیست سنجها، روش های هک کردن داده های «کمبریج آنلیتیکا» را شبیه به فناوری عصر حجر می کند. کره شمالی را در سال ۲۰۳۰ تصور کنید که در آن هر شهروندی باید در ۲۴ ساعت روز دستبندی زیست سنج ببندد. اگر به سخنرانی پیشوای بزرگ گوش بدهید و دستبند نشانه هایی از خشم در شما افشا کند، کار شما تمام است.

صد البته می توان گفت که بسیار خوب اما نظارت بر اساس زیست سنجها اقدامی موقتی برای وضعیت فوری است. دوره اش هم به محض پایان وضعیت فوری می گذرد. اما اقدامات موقتی عادت زشتی دارند که فوریت ها را کش بدهند، مخصوصاً چون همیشه فوریت جدیدی کمی جلوتر نشسته است. برای مثال کشور من اسرائیل در دوره جنگ استقلال ۱۹۸۴ وضعیت فوری اعلام کرد که توجیه گر مجموعه ای از اقدامات موقتی بود؛ از سانسور خبری و مصادره زمین گرفته تا مقررات ویژه ای برای درست کردن پودینگ (جلدی). سال هاست که از پیروزی در جنگ استقلال می گذرد اما اسرائیل هنوز که هنوز است وضعیت فوری را خاتمه نداده است و در لغو بسیاری از اقدامات «فوریت دار» از سال ۱۹۴۸ ناکام مانده است (لطف کردند فرمان اورژانسی پودینگ را در سال ۲۰۱۱ ملغی کردند).

حتی وقتی سرایت ویروس کرونا به صفر برسد برخی حکومت هایی که حرص داده می زنند می آیند می گویند حتماً باید نظارت بر اساس زیست سنجها را ادامه بدهند چون از موج دوم ویروس کرونا می ترسند یا چون گونه جدیدی از ابولا در آفریقای مرکزی در حال تکامل است یا چون ... منظورم را فهمیدید. در سال های اخیر نزاعی عظیم بر سر حریم شخصی بالا گرفته است. بحران ویروس کرونا می تواند نقطه عطفی در این نزاع باشد. چون عموم مردم اگر سر دو راهی حریم شخصی و سلامت قرار بگیرند، سلامت را انتخاب می کنند.

## پلیس صابون

اینکه از مردم بپرسی بین حریم شخصی و سلامت کدام را انتخاب می‌کنند خودش ریشه مشکل است. چون این انتخابی کاذب است. ما می‌توانیم و باید هم از حریم شخصی و هم از سلامتی بهره‌مند باشیم. ما می‌توانیم انتخاب کنیم که به‌جای استفاده از نهادهای نظارتی تمامیت‌خواه، با توانمندسازی شهروندان سلامتی‌مان را حفظ کنیم و جلوی ویروس کرونا را بگیریم. در هفته‌های اخیر، کره جنوبی، تایوان و سنگاپور برخی از موفق‌ترین تلاش‌ها برای جلوگیری از همه‌گیری ویروس کرونا را تنظیم و اجرا کردند. درست است که این کشورها تا حدی از اپلیشن‌های ردیابی استفاده کردند اما خیلی بیشتر بر تست گرفتن وسیع، گزارش‌های صادقانه و همکاری خودخواسته مردم مطلع تکیه داشتند.

رصد کردن مرکزی و مجازات سخت تنها راه همسو کردن مردم با رهنمون‌های سودمند نیست. وقتی حقایق علمی به مردم گفته شود و وقتی مردم باور داشته باشند که از زبان زمامداران عرصه عمومی این حقایق را می‌شنوند، آن وقت شهروندان خودشان کار درست را انجام می‌دهند، بی‌آنکه لازم باشد «برادر بزرگ» دایم مراقب رفتارشان باشد. جمعیت آگاه و خودانگیخته معمولاً بسیار قوی‌تر و موثرتر است تا جمعیت پاسبانی‌شده ناآگاه.

مثلاً شستن دست‌ها با صابون را در نظر بگیرید، یکی از بزرگترین پیشرفت‌های بشر در زمینه بهداشت است. این عمل کوچک جان میلیون‌ها انسان را هر سال نجات می‌دهد. ما آن را بدیهی می‌دانیم اما تازه در قرن نوزدهم بود که دانشمندان اهمیت شستن دست‌ها با صابون را کشف کردند. قبل از این، حتی پزشک‌ها و پرستارها هم بدون شستن دست‌هایشان از یک عمل جراحی به عمل بعدی می‌رفتند. امروزه چندین میلیون آدم هر روز دست‌هایشان را می‌شویند نه چون از پلیس صابون می‌ترسند بلکه چون حقایق بهداشتی را می‌فهمند. من دست‌هایم را با صابون می‌شویم چون چیزهایی درباره ویروس‌ها و باکتری‌ها شنیده‌ام و می‌فهمم که این ذرات زنده بسیار کوچک عامل بیماری هستند و می‌دانم که صابون آنها را از بین می‌برد.

اما برای رسیدن به چنین سطحی از همسویی و همکاری نیاز به اعتماد وجود دارد. لازم‌اش این است که مردم به علم اعتماد داشته باشند، به زمامداران عرصه عمومی اعتماد داشته باشند و به رسانه‌ها اعتماد داشته باشند. در چند سال گذشته، سیاستمدارانی بی‌مسئولیت اعتماد مردم به علم، زمامداران عرصه عمومی و رسانه‌ها را ضعیف کرده‌اند. اکنون همین سیاستمداران بی‌مسئولیت ممکن است وسوسه بشوند که مسیر را به سمت تمامیت‌خواهی ببرند با این استدلال که برای انجام کار درست نمی‌توان به مردم اعتماد کرد.

در حالت عادی، اعتمادی سال‌های سال ضعیف شده یک‌شبه بازسازی نمی‌شود. اما حالا زمانه عادی نیست. در لحظه بحران، ذهن‌ها هم می‌توانند سریع تغییر کنند. چه بسا که سالها با خواهر و برادران مشاجره‌های تلخی داشته باشید اما وقتی فوریتی در کار باشد ناگهان مخزنی از اعتماد و حسن‌نیت پیدا می‌کنید و به کمک به همدیگر می‌شتابید. هنوز دیر نشده و می‌توان به جای برپا کردن یک رژیم نظارتی، اعتماد مردم به علم، زمامداران عرصه عمومی و رسانه‌ها را بازسازی کرد. ما قطعاً باید از فناوری‌های نوین هم بهره ببریم اما این فناوری‌ها باید شهروندان را توانمند کنند. من کاملاً طرفدار این هستم که دمای بدن و فشار خونم رصد بشود اما این داده‌ها نباید در جهت ساختن حکومتی قدرتمند استفاده شود. به‌جایش این داده‌ها باید به من این توانایی را بدهد که تصمیمات شخصی‌ام بر اساس آگاهی بیشتری بگیرم و حکومت را برای تصمیماتش پاسخگو بکنم.

اگر من بتوانم شرایط سلامتی‌ام را در ۲۴ ساعت روز ردیابی کنم، نه تنها از مخاطره‌ای که ممکن است برای سلامت دیگران ایجاد می‌کنم باخبر می‌شوم بلکه یاد می‌گیرم چه عادت‌هایی به سلامتی‌ام کمک می‌کند. و اگر بتوانم به آمار پخش ویروس کرونا دسترسی داشته باشم و تحلیل‌شان کنم، خودم می‌توانم قضاوت کنم که آیا حکومت دارد راستش را می‌گوید یا نه، و آیا سیاست‌های درستی برای مبارزه با همه‌گیری ویروس انتخاب کرده است یا نه.

به یاد داشته باشید که هر وقت بحث عمومی درباره نظارت درمی‌گیرد، فناوری نظارت می‌تواند نه فقط برای رصد مردم از سوی حکومت بلکه برای رصد حکومت از سوی مردم به کار گرفته شود.

در نتیجه، همه‌گیری ویروس کرونا آزمونی پیش‌روی شهروندان است. در روزهای آینده، هر یک از ما باید انتخاب کند که به‌جای تنورهای توطئه و سیاست‌مدارانی که دنبال منافع خود هستند، به داده‌های علمی و متخصصان خدمات سلامت اعتماد داشته باشد. اگر ما درست انتخاب نکنیم، ممکن است به خیال اینکه این تنها راه محافظت از سلامتی‌مان است ببینیم که داریم عطای ارزشمندترین آزادی‌هایمان را به لقایشان می‌بخشیم.

## نیاز به برنامه جهانی داریم

دیگر انتخاب مهم پیش‌روی ما، انتخاب بین انزوای ملی و انسجام جهانی است. هم خود همه‌گیری بیماری و هم بحران اقتصادی ناشی از آن معضلات جهانی هستند. اینها را فقط می‌توان با همکاری جهانی حل کرد.

نخست و مهمتر از همه، برای غلبه بر ویروس لازم است که اطلاعات به‌صورت جهانی به اشتراک گذاشته شود. این مزیت مهم انسان‌ها در برابر ویروس است. یک ویروس کرونا در چین و یک ویروس کرونا در آمریکا نمی‌تواند حقه‌هایشان برای بیمار کردن انسان‌ها را با هم رد و بدل کنند. اما چین می‌تواند به آمریکا درس‌های ارزشمندی درباره ویروس کرونا و چگونگی مقابله با آن بدهد. کشف یک دکتر ایتالیایی در صبح زود در میلان می‌تواند جان انسان‌ها را تا قبل از رسیدن شب در تهران نجات بدهد. وقتی که حکومت بریتانیا بین سیاست‌های مختلف مردمانده است می‌تواند از کره‌ای‌هایی که ماه قبل با مساله مشابهی روبرو بودند مشورت بگیرد. اما برای اینکه چنین چیزی اتفاق بیفتد نیاز به روحیه‌ای است برای همکاری و اعتماد جهانی.

کشورها باید اطلاعات‌شان را به اشتراک بگذارند و فروتنانه مشورت بگیرند و باید بتوانند به داده‌ها و بینشی که دریافت می‌کنند اعتماد کنند. همچنین ما نیاز به تلاشی جهانی داریم برای تولید و توزیع تجهیزات درمانی و از همه مهم‌تر کیت‌های شناسایی و دستگاه‌های تنفسی. به‌جای اینکه هر کشور تلاش کند این چیزها را خودش تهیه کند و تجهیزات بدست‌آمده را انبار کند، یک تلاش هماهنگ جهانی می‌تواند به مقدار زیادی تولید را شتاب ببخشد و تضمین کند که تجهیزاتی که جان انسان‌ها را نجات می‌دهد به‌شکل منصفانه‌تری توزیع شود. همانطور که کشورها صنایع کلیدی‌شان را در دوره جنگ ملی‌سازی می‌کنند، ممکن است لازمه جنگ بشر در برابر ویروس کرونا «بشری‌سازی» خط تولیدات ضروری باشد. کشوری ثروتمند با تعداد مبتلایان کم ویروس کرونا باید حاضر باشد که تجهیزاتی ارزشمند به کشوری فقیر با تعداد مبتلایان زیاد ویروس کرونا بفرستد، با این اعتماد که اگر روزی در آینده نیاز به کمک داشت، کشورهای دیگر به کمکش خواهد شتافت.

ممکن است تلاشی مشابه و در سطح جهانی تصور کنیم برای متحد ساختن پرسنل درمان. کشورهایی که در حال حاضر کمتر تحت‌تاثیر قرار گرفته‌اند می‌توانند کارکنان درمانی به مناطقی از دنیا بفرستند که بیشترین صدمه را دیده‌اند هم برای کمک به آنها در ساعت‌هایی که به کمک نیاز دارند هم برای کسب ارزشمندترین تجربه‌ها. اگر در آینده نقطه تمرکز همه‌گیری تغییر کرد، کمک‌ها می‌تواند در سمت عکس جریان پیدا کند.

همکاری جهانی در جبهه اقتصادی نیز اهمیت حیاتی دارد. با توجه به طبیعت جهانی اقتصاد و زنجیره‌های عرضه، اگر هر حکومتی کار خودش را با بی‌اعتنایی به دیگر کشورهای انجام دهد، نتیجه آشفستگی و عمیق‌شدن بحران خواهد بود. ما به برنامه‌ای جهانی برای اقدام نیاز داریم و نیازی سریع هم داریم.

ضرورت دیگر رسیدن به توافقی جهانی برای سفر است. تعلیق همه سفرهای بین‌المللی برای ماه‌ها باعث اختلال‌های بسیاری می‌شود و مانعی برای جنگ علیه ویروس کرونا خواهد بود. کشورها باید همکاری کنند تا حداقل چکیده‌ای از مسافران حیاتی بتوانند مرزها را طی کنند: دانشمندان، پزشکان، روزنامه‌نگاران، سیاست‌مداران و اهالی کسب و کار. چنین چیزی می‌تواند از طریق رسیدن به یک توافق بین‌المللی برای غربالگری مسافران در کشور مبدأشان صورت بگیرد. اگر بدانید که فقط مسافرانی که با دقت غربالگری شده‌اند اجازه دارند سوار هواپیما بشوند، آمادگی بیشتری خواهید داشت که آنها را در کشور خودتان بپذیرید.

متأسفانه در حال حاضر، کشورها به ندرت اینها را انجام می‌دهند. جامعه بین‌المللی دچار یک فلج جمعی شده است. انگار هیچ بزرگ‌سالی در میدان نیست. انتظار می‌رفت که هفته‌ها پیش از این جلسه فوری بین رهبران جهان برای رسیدن به یک برنامه اقدام مشترک تشکیل شود. تازه همین هفته بود [مقاله در آخرین روز اسفند ۱۳۹۸ نوشته شده است] که رهبران جی۷ توانستند ویدیو کنفرانسی برگزار کنند که به هیچ برنامه‌ای هم منجر نشد.

در بحران‌های جهانی گذشته - مثل بحران مالی سال ۲۰۰۸ و همه‌گیری ابولا در سال ۲۰۱۴- آمریکا رهبری جهانی را بر عهده گرفت. اما دولت کنونی آمریکا سکان رهبری را رها کرده است. به‌وضوح معلوم کرده که به عظمت آمریکا اهمیت خیلی بیشتری می‌دهد تا آینده بشریت.

این دولت حتی نزدیک‌ترین متحدان سیاسی‌اش را رها کرده است. وقتی که تمام سفرها از اتحادیه اروپا ممنوع کرد حتی به خودش زحمت نداد که زودتر خبر بدهد، چه برسد به اینکه با اتحادیه اروپا درباره این اقدام پراهمیت رایزنی کند. آبروی خودش را جلوی آلمان برده چون ظاهراً به یک شرکت داروسازی آلمانی یک میلیارد دلار پیشنهاد داده تا حق انحصار واکسن کوید۱۹ را بخرد. حتی اگر این دولت در نهایت تغییر رویه بدهد و به یک برنامه اقدام جهانی برسد، کشورهای کمی دنباله‌رو رهبری خواهند بود که هیچ‌وقت قبول مسؤلیت نمی‌کند، هیچ‌وقت اشتباهاتش را نمی‌پذیرد و به طور مداوم تمام اعتبار کارها را برای خودش برمی‌دارد و سرزنش‌ها را بر گردن دیگران می‌اندازد.

اگر خلاً رهبری آمریکا با کشورهای دیگر پر نشود، نه تنها جلوگیری از همه‌گیری ویروس سخت‌تر می‌شود، بلکه میراثش روابط بین‌المللی را برای سال‌ها مسموم خواهد کرد. در عین حال هر بحرانی یک فرصت هم هست. ما باید امید داشته باشیم که این همه‌گیری به بشریت کمک کند که خطر حاد تفرقه جهانی را درک کند.

بشریت باید تصمیم بگیرد. آیا ما راه تفرقه را پیش خواهیم گرفت یا مسیر انسجام جهانی را؟ اگر تفرقه را انتخاب کنیم، نه تنها در تمام طول بحران ادامه پیدا خواهد کرد، بلکه احتمالاً به فجایع بزرگتری در آینده منجر خواهد شد. اگر انسجام جهانی را انتخاب کنیم، پیروز خواهیم شد نه تنها مقابل ویروس کرونا بلکه مقابل همه‌گیری‌ها و بحران‌های آینده که ممکن است در قرن بیست و یکم گریبان بشریت را بگیرد.